

فصلنامه مطالعات سیاسی بین‌المللی

سال دوم، شماره سوم، تابستان ۱۳۹۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶ / ۰۳ / ۲۱

تاریخ تصویب: ۱۳۹۶ / ۰۶ / ۱۵

صفحات: ۳۵-۵۶

## اهداف و کارکرد شورای انقلاب اسلامی ایران

علی جان مرادی جو\*

عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین(ع) و دانشجوی دکترای علوم سیاسی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

### چکیده

در جریان انقلاب‌های بزرگ دنیا، رهبران انقلاب، نهادهایی را به وجود آوردند تا به وسیله آن‌ها، فعالیت‌های انقلابیون را هماهنگ نموده و روند انتقال قدرت را مدیریت کرده و بعد از پیروزی انقلاب، اداره امور سیاسی را به عهده بگیرند. این اقدام مانع بروز و یا ادامه هرج‌ومرج گردیده است. در انقلاب اسلامی ایران نیز وقتی علائم پیروزی انقلابیون هویدا شد، امام خمینی (ره) در جایگاه رهبری، شورای انقلاب اسلامی را تشکیل داد تا اهداف فوق حاصل شود. این شورا در ۲۲ دی‌ماه ۱۳۵۷ تشکیل و تا ۲۹ تیرماه ۱۳۵۹ با شکل‌گیری اولین مجلس قانون‌گذاری، به فعالیتش ادامه داد. اهداف و عملکرد آن مسئله اصلی این نوشتار است. نتیجه پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اهدافی از قبیل ایجاد هماهنگی در امور اجرایی انقلاب، انتقال قدرت و... در تشکیل این نهاد مدنظر بوده و این اهداف نیز تأمین شده است.

**کلیدواژه‌ها:** شورا، شورای انقلاب، انقلاب اسلامی ایران، جمهوری اسلامی، امام خمینی (ره).

## مقدمه

در کشورهایی که تحولات بنیادین اجتماعی و سیاسی رخ داده است روند انتقال قدرت از رژیم قبلی به انقلابیون توسط نهادی و یا شورایی صورت گرفته است. در انقلاب ایران نیز شورای انقلاب اسلامی به عنوان واسطه‌العقد رژیم در حال زوال پهلوی و نظام انقلابی به فرمان رهبری انقلاب زمانی تشکیل شد (۲۲ دی‌ماه ۱۳۵۷) که نشانه‌های پیروزی انقلابیون آشکار شد. این شورا در کنار رهبری روند انتقال قدرت را با سهولت و سرعت و با هزینه کمتری مدیریت کرد.

سؤال اصلی این است که شورای انقلاب با چه اهدافی شکل گرفت و از بدو تأسیس تا پایان کار چگونه عمل کرد؟ فرض بر این است که اهدافی از قبیل ایجاد هماهنگی در امور اجرایی انقلاب، انتقال قدرت و پر کردن خلأ رهبری در داخل کشور مدنظر پدیدآورندگان آن بوده است؛ اما در مسیر یافتن پاسخ پرسش طرح‌شده بررسی همه‌جانبه‌ای در موضوع موردنظر به روش توصیفی-تحلیلی انجام شد تا مشخص شود شورای انقلاب در استقرار مجدد نظم، امنیت و قانون بر جامعه انقلابی و ایجاد هماهنگی در نیروهای انقلاب چگونه کار کرد؛ بنابراین نحوه شکل‌گیری شورای انقلاب و عملکرد آن از آغاز تا فرجام (۲۹ تیرماه ۱۳۵۹)، زمینه‌های شکل‌گیری و چگونگی و چرایی ایجاد آن و اهداف تشکیل و عملکرد آن در قبل و بعد از پیروزی انقلاب مباحث اصلی این نوشتار را تشکیل می‌دهند.

لازم به ذکر است که این نوشتار با آثاری با عناوین مشابه تفاوت‌هایی دارد از جمله با کتاب شورای انقلاب اسلامی ایران نوشته مجید سائلی کرده ده که غیر از وجوه تشابه دارای رویکرد و ساختاری متمایز از این نوشتار است.

## زمینه‌ها و انگیزه‌ها

حوادث بعد از فاجعه ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ نشان داد که تصمیم به کشتار مردم بی‌دفاع در این روز به‌مثابه اقدام انتحاری برای رژیم پهلوی بود. از فردای آن روز سیر تحولاتی که به سقوط رژیم انجامید شتاب بیشتری گرفت. در ماه‌های باقیمانده عمر رژیم پهلوی تا بهمن اختلافات در میان درباریان اوج گرفت، تمرد کارکنان حکومت به‌ویژه سربازان و نظامیان به امری عادی تبدیل شد و شاه کم‌کم امید خود را به ادامه سلطنت از دست رفته دید.

مقارن این اوضاع، سفر امام خمینی (ره) رهبر انقلاب به پاریس (یک ماه پس از ۱۷ شهریور)<sup>۱</sup> صورت گرفت و برخلاف پیش‌بینی‌ها، این سفر دست ایشان را برای هدایت انقلاب بازتر کرد. فضای متفاوت سیاسی فرانسه نسبت به عراق باعث شد تا موانع از سر راه ارتباط ایشان با یارانشان برداشته

<sup>۱</sup> از تاریخ ۱۳/۷/۱۳۵۷ از عراق به فرانسه هجرت و در دهکده نوفل‌لوشاتو در حومه پاریس سکونت گزیده بودند.

شود. البته بعد از گذشت مدتی از ورود ایشان به فرانسه، مقامات فرانسوی سعی کردند تا مانع فعالیت سیاسی ایشان شوند، اما بعد بنا به دلایل و مصالحی و به‌ویژه در اثر مخالفت امام خمینی (ره) از این اقدام منصرف شدند. لذا محدودیت‌ها تقلیل یافت و یاران ایشان برای تبادل نظر با ایشان و هدایت مؤثر انقلاب رفت‌وآمدهایی را آغاز کردند.

ایده تأسیس نهادی به نام شورای انقلاب از دل همین رفت‌وآمدها و تبادل نظرها پیدا شد. از سوی دیگر ترس از بازگشت رهبر انقلاب به کشور، رژیم را به تکاپو واداشت تا مانع این بازگشت شود. در چنین موقعیتی خلاً رهبری انقلاب در کشور می‌توانست به نابسامانی نیروهای انقلاب بیانجامد. نیز با توجه به جایگاه مهم شورا در اسلام و اندیشه امام خمینی (ره)، لازم بود رهبران و انقلابیون الگو و روشی متضاد رویه استبدادی موجود ارائه نمایند. مجموعه این نیازها و انگیزه‌ها وجود یک نهاد مشورتی و مدیریتی را در مرحله گذار از انقلاب می‌طلبید؛ اما فکر تشکیل شورایی جهت ساماندهی و هدایت فعالیت‌های انقلابیون در اذهان برخی از رهبران روحانی انقلاب در داخل کشور زمانی پیدا شد که بعد از راهپیمایی‌های سرتاسری تاسوعا و عاشورای ۱۳۵۷ نشانه‌های سقوط رژیم شاهنشاهی بیش‌ازپیش نمایان گردید. بعد از این قضایا و در این راستا، آیت‌الله مرتضی مطهری به پاریس سفر کرده و در خصوص این موضوع، با امام خمینی (ره)، مشورت کرد. اکبر هاشمی رفسنجانی از رهبران روحانی داخل کشور در این مورد می‌گوید:

«پس از سفر آقای مطهری به پاریس، شورای انقلاب رسمیت پیدا کرد. پیش از آن کار انجام می‌شد، اما حکم خاصی نداشت. بعد از سفر ایشان رسمیت پیدا کرد و اعلام شد» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۶: ۳۲۳).

وی در مورد تمایل رهبران انقلاب به تأسیس این شورا می‌گوید:

«در آن روزها گرایش به شورا شدید بود. از دیکتاتوری و استبداد خاطرات بسیار تلخی داشتیم و به‌هیچ‌وجه نمی‌خواستیم از شیوه‌های زور استفاده کنیم. مبارزه با استبداد از نیرومندترین انگیزه‌های مبارزه در مردم و ما بود و حل استبداد را هم در شورا می‌دانستیم. با چنین زمینه تشکیل شورا و اداره کشور توسط آن مسئله‌ای پذیرفته‌شده برای همه مبارزان بود. روی مدیریت فردی فکر نمی‌کردیم و به همین دلیل به‌طور طبیعی باید شورای انقلاب تشکیل می‌شد» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۶: ۳۲۳).

اما در این میان برای رهبری انقلاب مقبولیت بالایی لازم بود که توسط وی این کار صورت گیرد و انقلابیون بالاتفاق آن را به رسمیت بشناسند و از آن تبعیت کنند. در چنین موقعیتی آشنایی دیرینه مردم با رهبر انقلاب و اعتماد فراوان به ایشان نوید تولد اولین نهاد انقلابی را می‌داد. این اعتماد و نیازها و انگیزه‌ها در کنار عامل دیگری به نام «حق شرعی» در تأسیس شورای انقلاب کارساز گردید. امام خمینی (ره) خود در این مورد فرمود:

«به موجب حق شرعی و بر اساس رأی اعتماد اکثریت قاطع مردم ایران که نسبت به این‌جانب

ابراز شده است، در جهت تحقق اهداف اسلامی ملت، شورایی به نام **شورای انقلاب اسلامی** مرکب از افراد باصلاحیت و مسلمان و متعهد و مورد وثوق موقتاً تعیین شده و شروع به کار خواهند کرد» (صحیفه نور، ج ۵: ۴۲۶).

در ابتدای متن اساسنامه شورای انقلاب نیز به این پشتوانه‌ها تأکید و تکیه شده است. در این مورد نیز می‌خوانیم:

«به حول و قوه الهی بر اساس ابراز اعتماد اکثریت قاطع مردم ایران نسبت به رهبری مرجع عالی‌قدر امام خمینی (ره) و به موجب حقوق ناشی از مقام رهبری دین، شورایی به نام شورای انقلاب از طرف ایشان بر طبق این اساسنامه تعیین و عهده‌دار وظایف مندرج در آن می‌گردد...» (روزنامه شرق، ۱۰ شهریور ۱۳۸۳).

شورای انقلاب به‌عنوان اولین و بنیادی‌ترین ارکان قدرت سیاسی و عالی‌ترین نهاد تصمیم‌گیری در کشور بعد از رهبری به‌فرمان امام خمینی (ره) تقریباً سه ماه قبل از پیروزی انقلاب (در آذرماه ۱۳۵۷) تشکیل گردید<sup>۱</sup> (خواجه سروی، ۱۳۸۵: ۱۸۳ و رضوی، ۱۳۷۶: ۱۴۲). به نظر می‌رسد به قول هانا آرنت این فرمان، تلویحاً قبول تفاوتی بود که رهبران انقلابی باید میان «منشأ قدرت که در پایین و در میان مردمان است، با منبع قدرت که در بالا و در دایره‌ای زبرین و متعالی است»، قائل می‌شدند (آرنت، ۱۳۸۱: ۲۶۳). قدرتی که در مشت‌های توده مردم و در پایین بود انقلاب را به ثمر رسانده بود و اکنون قدرت باید در بالا به کار می‌افتاد تا جامعه از بی‌نظمی شرایط انقلابی، به ثبات و شکل‌گیری نظام جدید ناآتل شود.

### چگونگی تشکیل، شرایط عضویت، ساختار و برنامه‌ها

علاوه بر شرایط زمانی، مهم‌ترین مسئله در تشکیل شورا شرایط و ویژگی‌های اعضای آن بود. طبعاً باید این افراد از میان شخصیت‌های سیاسی با تجربه و انقلابی و مورد اعتماد می‌بودند زیرا مسئولیت خطیر هدایت یک انقلاب بزرگ را بر عهده داشتند. رهبر انقلاب با حساسیت و دقت خاصی در مورد اعضا و سرّی بودن اسامی آنان و برنامه‌های شورا به تشکیل و شروع به کار آن همت گماشت.

در مورد شرایط اعضای شورا از دیدگاه امام خمینی (ره) می‌توان به اظهارات آیت‌الله بهشتی که در پاییز ۱۳۵۷ به دیدار ایشان در پاریس رفته بود، استناد کرد. ایشان می‌گوید:

«یکی از مسائلی که ایشان با دوستان مطرح می‌کردند این بود که چه کسانی هستند که

<sup>۱</sup> امام طی پیامی که در مورخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۲ صادر و با عنوان «پیام امام خمینی به ملت ایران درباره تشکیل شورای انقلاب و احتمال کودتای نظامی شاه» معروف شد، تأسیس شورای انقلاب را به‌طور رسمی اعلام کردند.

می‌توانند در ساماندهی به نیروهای عظیم بسیج شده مردم ایران سهیم بوده و نقشی داشته باشند و چه کسانی هستند که می‌توانند پس از موفقیت در اداره جامعه مسئولیتی بر عهده بگیرند؛ بنابراین برای ایشان دو مطلب مطرح بود: ۱- کسانی که بتوانند در ایران با حضورشان به همگانی‌تر و گسترده‌تر شدن حرکت اجتماعی شتاب بدهند ۲- کسانی که پس از پیروزی بتوانند در اداره جامعه نقشی بر عهده بگیرند» (نظری، ۱۳۷۸: ۱۹۹).

همچنین در فرمان تشکیل شورا به «افراد با صلاحیت و مسلمان و متعهد و مورد وثوق» (صحیفه نور، ج ۵: ۴۲۶)، تأکید شده است؛ اما مخفی نگه‌داشتن تشکیل این شورا و اعضا و جلسات آن به دلیل شرایط اختناق و سرکوب در ایران، توصیه و تأکید ویژه‌ای توسط رهبری وجود داشت. نامه رمزآمیزی که امام خمینی در ۱۴ آبان ۱۳۵۷ به آیت‌الله بهشتی نوشته‌اند حاکی از چنین مخفی‌کاری است<sup>۱</sup> (صحیفه نور، ج ۴: ۳۰۷).

نگرانی‌های موجود در لحن امام خمینی (ره) در این نامه به‌خوبی گویای اهمیت بسیار بالای شورای انقلاب در نزد ایشان است. به دنبال نامه مزبور آیت‌الله مطهری در آبان ۱۳۵۷ به پاریس رفت و با امام دیدار کرد. با ورود مطهری به فرانسه تشکیل شورای انقلاب به‌صورت جدی در دستور کار قرار گرفت.

امام خمینی (ره) علاوه بر شخصیت‌های روحانی از رجال غیرروحانی نیز در هدایت انقلاب و شکل‌گیری نهادهایی چون شورای انقلاب بهره‌گرفت چنانکه غیر از آیت‌الله مطهری از شخصیتی چون مهندس مهدی بازرگان بهره‌گرفت<sup>۲</sup> (قاسم پور، ۱۳۸۵: ۱۷). امام علی‌رغم علم به اختلاف‌های فکری و تاکتیکی رهبران ملی- مذهبی با آرمان‌ها و باورهای خود در انقلاب اسلامی به آنان فرصت حضور در سطوح بالای نظام برآمده از انقلاب را داد. سران نهضت آزادی ایران در شورای انقلاب، در اتفاقات واپسین ماه‌های انقلاب و به‌ویژه در دولت موقت، عرصه فراخی برای ایفای نقش یافتند. تا حدودی ترکیب اعضای شورای انقلاب نیز نشان می‌دهد که امام جهت ایجاد تعادل در نقش نیروهای اجتماعی و اقناع کلیه جریانات سیاسی شریک در انقلاب ترجیح می‌داد که اعضای این شورا

<sup>۱</sup> در متن نامه چنین آمده است: «موضوع: ضرورت تسریع در معرفی اعضای پیشنهادی شورای انقلاب با هماهنگی آقای مطهری بسمه‌تعالی. ذی‌الحجه ۱۳۹۸. پس از اهدای سلام و تحیت، وقت دارد سپری می‌شود و من خوف آن دارم که با عدم معرفی اشخاص، مفسده پیش آید. بنا بود به‌مجرد آمدن ایشان «م. ط» [شهید مطهری] با اشخاص موردنظر یکی‌یکی و جمعی ملاقات کنید و نتیجه را فوراً به این‌جانب اعلام کنید؛ و نیز مرقومی که معرف باشد با خط و امضای عدد معلوم بفرستید. من در انتظار هستم و باید عجله شود و نیز استفسار از بعضی آن‌ها برای مسافرت به خارج. در هر صورت همه موضوعات که به شما و ایشان تذکر داده شد، لازم است باعجله انجام گیرد و اگر اشخاص دیگری نیز پیدا شد ملحق شود. والسلام» (صحیفه نور، ج ۴: ۳۰۷).

<sup>۲</sup> بازرگان نهضت آزادی ایران را در سال ۱۳۴۰ تأسیس کرده و در آن شکل به مبارزات سیاسی خود ادامه داد.

تلفیقی از دو گرایش روحانیون و ملی- مذهبی‌های میانه‌رو باشد.<sup>۱</sup> دکتر ابراهیم یزدی از دیگر اعضای این تشکل سیاسی در زمینه دستور امام خمینی (ره) به مهندس بازرگان برای عزیمت به پاریس می‌گوید:

«مرحوم مطهری با دستورات و برنامه‌های معین از پاریس به ایران برگشتند. سپس پیرو صحبت و درخواست [امام] خمینی، من به ایران زنگ زدم و با مرحوم مهندس بازرگان صحبت و دعوت کردم که بیایند پاریس» (ایران فردا، ش ۵۱: ۱۱).

انگیزه امام خمینی (ره) از ایجاد چنین شورایی نیز مشخص است و ایشان درصدد بود روند انتقال قدرت را توسط آن مدیریت کند؛ بنابراین در تاریخ ۱۸ دی ماه<sup>۲</sup> چنین تأکید کرد: «... اگر بخواهید آرامش در ایران حاصل شود، راهی جز این نیست که نظام شاهنشاهی که قانونی نیست کنار برود و ملت را به حال خود باقی بگذارند تا من یک شورای انقلابی تأسیس کنم از اشخاص پاک‌دامن برای نقل قدرت تا امکان مناسب جهت حکومت مبعوث ملت انجام گیرد» (صحیفه نور، ج ۵: ۳۷۷). ایشان همین نکته را در اعلامیه ایجاد شورای انقلاب تکرار کرده است:

«... این شورا موظف به انجام امور معین و مشخصی شده است؛ از آن جمله مأموریت دارد تا شرایط تأسیس دولت انتقالی را مورد بررسی و مطالعه قرار داده و مقدمات اولیه آن را فراهم سازد. دولت موقت در اولین فرصت که مناسب و صلاح دانسته شود به ملت معرفی و شروع به کار خواهد نمود...» (صحیفه نور، ج ۵: ۴۲۶).

تا پیش از آن تاریخ نیروهای انقلاب نمی‌دانستند انتقال قدرت چگونه صورت می‌گیرد. همچنین بعضی فرصت‌طلبان تصور می‌کردند از حیث تشکیل حکومت و سازمان‌دهی و اداره امور نارسایی‌هایی وجود دارد و درصدد برآمده بودند که طرح و نقشه ارائه نموده و خود عهده‌دار این مرحله باشند. حتی دسته‌هایی تنها به همین منظور اعلام موجودیت نمودند (مدنی، ۱۳۷۵: ۴۳۸). این نخستین بار بود که رسماً از سوی رهبر انقلاب، تشکیلات و برنامه‌های آینده حکومت اسلامی اعلام می‌شد.

اما اعضای شورا و شرایط آنان نیز از نظر امام خمینی (ره) مهم بود لذا ایشان یک گروه پنج‌نفره از روحانیون مورد اعتمادش با محوریت آیت‌الله مطهری را مسئول شناسایی افراد واجد صلاحیت برای عضویت در شورای انقلاب نمود. این هسته پنج‌نفره اولیه شامل شهید مطهری، هاشمی رفسنجانی، موسوی اردبیلی، دکتر باهنر و دکتر بهشتی بود که بعدها با عضویت افراد دیگری همچون مهدوی کنی، آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله خامنه‌ای، مهندس بازرگان، دکتر سبحانی، احمد صدر حاج سید جوادی،

<sup>۱</sup> اما در نهایت به دلیل تسلط کمی و نفوذ بیشتر افراد روحانی بر شورا، نتیجه صورت‌جلسات آن، بازتاب نگرش انقلابی و دینی بود به طوری که شورای انقلاب به‌عنوان نهاد قانون‌گذاری و نماینده جناح انقلابی در مقابل میانه‌روهای بعضاً لیبرال که در دولت موقت اکثریت را داشتند، قرار گرفت.

<sup>۲</sup> در پاسخ به نماینده رئیس‌جمهور فرانسه که حامل پیامی از جانب کارتر برای ایشان بود. چنین اظهاری کرد.

مهندس کتیرایی، سرلشگر قرنی، سرتیپ مسعودی و عباس شیبانی تکمیل گردید<sup>۱</sup>(رضوی، ۱۳۷۶: ۱۴۲). نحوه انتخاب اعضاء به این ترتیب بود که ابتدا فهرستی از افراد آماده می‌شد و سپس آیت‌الله مطهری طی مصاحبه‌ای با آن‌ها، میزان سنخیت، خطوط فکری‌شان با انقلاب اسلامی را ارزیابی و نتیجه را به امام خمینی (ره) اعلام کرد و در نهایت با تأیید ایشان عضوگیری می‌شد. در مورد رهبری شورا نیز اطلاعات دقیقی وجود نداشت اما بعدها مشخص شد که آیت‌الله مطهری رئیس شورا بود و بعد از وی آیت‌الله طالقانی این امر را به عهده داشت. بعد از وی دکتر بهشتی این سمت را به عهده گرفت. همچنین بعد از استعفای دولت موقت و انتقال مجدد بازرگان به شورا انقلاب، بسیاری از جلسات به خصوص آخرین جلسه شورا در ۲۶ تیرماه ۱۳۵۹ با ریاست ایشان برگزار شد(فوزی توسیرکانی، ۱۳۸۴: ۱۶۰).

اما برای این نهاد چه ساختاری و برای اعضای آنچه ملاک‌هایی در نظر گرفته شده بود؟ آیت‌الله بهشتی یکی دیگر از رهبران روحانی انقلاب در داخل کشور طی یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو - تلویزیونی در پاسخ به سؤال خبرنگاری مبنی بر اینکه آیا ایشان ریاست شورای انقلاب را بر عهده دارد یا خیر، توضیحاتی داد که پاسخ پرسش ما نیز از آن به دست می‌آید. ایشان گفت:

«در این مرحله مملکت را به‌راستی با شورا اداره می‌کنیم و کار اداره کشور گروهی است، سمت رئیس چندان معنایی پیدا نمی‌کند، شورا یک دبیری می‌خواهد که امضا و کارها را هماهنگ کند. من به این سمت انتخاب‌شده‌ام ولی باید بگویم مسئولیت شورا یک مسئولیت جمعی است. هر یک از اعضا، در شورا مسئولیت کافی دارند. در شورا چهار گروه تشکیل شده است: گروه امور داخلی و سیاسی، گروه اقتصادی، گروه صنعتی و گروه مسائل اجتماعی. هر یک از گروه‌ها از اعضای تشکیل می‌شود که در آن واحدها مسئولیت دارند. شورا هر روز سه ساعت جلسه عمومی دارد که یکی از این جلسات با شرکت وزاری که عضو شورا نیستند، تشکیل می‌شود و در جلسه شورا کلیه مسائل سیاسی و داخلی مطرح و تصمیم‌گیری جمعی می‌شود که هر یک از اعضا شورا موظف است این تقسیمات را در واحد نمایندگی خود در وزارتخانه یا مؤسسه اجرا کنند»(روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۸ آبان ۱۳۵۸: ۳).

به گفته هاشمی رفسنجانی، در آغاز کار، شورا یک‌بار در هفته و سپس دو بار به‌طور مخفی در منازل افراد تشکیل جلسه می‌داد و تصمیمات اخذشده در این جلسات بلافاصله با امام در میان نهاده می‌شد و پس از کسب تکلیف از ایشان به مرحله اجرا درمی‌آمد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۶: ۳۲۳).

<sup>۱</sup>. با توجه به اینکه تا پایان این شورا ترکیب آن مرتباً عوض می‌شد، افراد دیگری نیز در مقاطع خاص به شورا وارد شده و در مقاطع دیگری از آن خارج می‌شدند. از جمله این افراد می‌توان به میرحسین موسوی، ابوالحسن بنی‌صدر، صادق قطب‌زاده، ابراهیم یزدی و حبیب‌الله پیمان نیز اشاره کرد(رضوی، ۱۳۷۶: ۱۴۲). در ماه‌های بعد افراد دیگری نیز به آن اضافه شدند.

## اهداف تشکیل شورای انقلاب

سه هدف اصلی ساماندهی انقلاب، وارد آوردن آخرین ضربات به پیکر نیمه‌جان رژیم پهلوی و کمک به اداره کشور پس از پیروزی انقلاب را می‌توان از اصلی‌ترین و کلی‌ترین اهداف تأسیس شورای انقلاب دانست (مدنی، ۱۳۶۱: ۴۳۸). شاه در اواسط دی‌ماه آخرین تلاش‌ها را برای استمرار رژیم سلطنت انجام می‌داد و قدرت‌های حاکم بر منطقه هم کوشش داشتند راه‌حلی که با منافعیان تطبیق داشته باشد بیابند، همه نیروهای مخالف انقلاب به تشکیل حکومت بختیار رضایت دادند و به توافق رسیدند. به‌خصوص امریکا مستقیماً مسئولیت نگهداری بختیار را برعهده گرفته و تمام کوشش‌های آشکار و نهان خود را به کار می‌گرفت تا به نحوی شعله‌های انقلاب ولو به‌صورت موقت خاموش سازند. در این میان رهبری انقلاب به‌موقع ضربات مهلکی را بر رژیم در حال احتضار وارد می‌ساخت که تشکیل شورای انقلاب یکی از همین تصمیمات کوبنده بود (مدنی، ۱۳۶۱: ۴۳۹).

لازم به یادآوری است که شبیه چنین نهادی با کارکرد و هدفی از قبیل ساماندهی انقلابیون در راستای سرنگونی رژیم پیشین و انتقال قدرت به نظام جدید در انقلاب‌های بزرگی چون انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ و انقلاب روسیه در سال ۱۹۱۷ وجود داشته است. در انقلاب فرانسه نهادی برای سروسامان دادن به وضع کشور به نام آنچه اکنون مجلس مؤسسان خوانده می‌شود شکل گرفته است. بنا به گفته دوتوکویل:

«کار عمده در انقلاب فرانسه ایجاد نهادهایی با کارکرد متفاوت از نهادهای قبلی بود؛ یعنی عناصری را که انقلاب فرانسه از رژیم پیشین حفظ کرد، تنها آن‌هایی بودند که با این نهادها بیگانه بودند و می‌توانستند جدا از این نهادها وجود داشته باشند... در انقلاب فرانسه در فاصله ۱۷۸۹ و ۱۷۹۱ طبقه بورژوازی میانه‌رو پیروزمند، با اقدام از طریق آنچه اکنون به مجلس مؤسسان تبدیل شده است، عقلانی‌سازی و اصلاح عظیم فرانسه را که هدفش بود، آغاز کرد» (دوتوکویل، ۱۳۶۵: ۵۵ و هوبز باوم، ۱۳۷۴: ۸۰).

در انقلاب روسیه نیز نهادی با کارکردی مشابه شورای انقلاب ایران وجود داشت و نام آن «شورای نمایندگان کارگری» بود که در سال ۱۹۰۵ شکل گرفته و تا پیروزی انقلاب در ۱۹۱۷ کار کرد. با توجه به این که لنین مدتی در آلمان به‌صورت تبعیدی حضور داشت، نقش این نهاد در پر کردن خلأ رهبری مهم است. بایفسکی در مورد دیدگاه لنین نسبت به شورا می‌نویسد:

«شوراهای نمایندگان کارگران برای نخستین بار در سال ۱۹۰۵ در روسیه تشکیل شدند. لنین این شوراها را نه تنها ارگان‌های انقلاب بلکه جنین یک حکومت موقت انقلابی می‌دانست. درواقع کار اصلی شوراهای نمایندگان کارگران در مرحله انتقال قدرت ایجاد یک دولت موقت انقلابی بود. در ۲۷ فوریه، هم‌زمان با پیروزی انقلاب، دفتر کمیته مرکزی حزب سوسیال‌دموکرات کارگری روسیه



بلسویک) جزوهای منتشر کرد و در آن از کارگران خواست که انتخابات کمیته‌های اعتصاب کارخانه را بدون وقفه آغاز کنند و نمایندگان آن‌ها شوراهای نمایندگان کارگران را تشکیل دهند و این شوراها مسئولیت سازمان‌دهی جنبش برای تشکیل یک دولت موقت انقلابی را بر عهده گیرند» (بایفسکی، ۱۳۶۰: ۲۰-۱۹).

بنابراین در انقلاب‌های فرانسه، روسیه و ایران نهادهایی برای سامان دادن فعالیت‌های انقلابیون در غیبت رهبر انقلاب و انتقال قدرت و تشکیل دولت موقت انقلابی ایجاد شدند و کارکردی مشابه داشتند.

شورای انقلاب اسلامی در ایران به روند سرنگونی رژیم پهلوی سرعت بخشید و به ساماندهی و تقویت انقلاب کمک نمود؛ اما در زیرمجموعه اهداف کلان، اهداف خردی هم وجود داشت که تحقق آن‌ها می‌توانست انقلاب را به اهداف اصلی نائل بکند که عبارت‌اند از:

### ۱- ایفای نقش رهبری انقلاب در داخل کشور تا زمان بازگشت رهبر انقلاب: با

اوج‌گیری نهضت اسلامی عوامل رژیم پهلوی در کنار کشتارهای انقلابیون تلاش می‌نمودند از راه‌های مختلفی چون وعده محدود نمودن اختیارات شاه و یا به قدرت رساندن به اصطلاح میانه‌روها مردم را فریب داده و روند نهضت را کند سازند. در چنین شرایطی حضور رهبر انقلاب می‌توانست توطئه‌ها را خنثی ساخته و نیروها انقلاب را ساماندهی کرده و انقلاب را پیش ببرد (رضوی، ۱۳۷۶: ۱۴۳). به‌رحال این شورا تأسیس شد و نقش رهبر انقلاب در داخل را بر عهده گرفت. آیت‌الله مرتضی مطهری به مهندس عزت‌الله سحابی توضیح می‌داد که در پاریس در حضور رهبری مطرح شد که در حال حاضر نهضت در ایران به‌صورت انقلاب درآمده و حرکت این انقلاب بدون رهبری درست امکان‌پذیر نیست. رهبر اصلی امام است ولی اولاً امام در ایران نیست و ثانیاً به‌تنهایی نمی‌تواند به همه کارها رسیدگی کنند، در نتیجه در پاریس تصمیم گرفته شد که شورای انقلاب تشکیل شود. یک شاخه آن در ایران و شاخه دیگرش در اروپا به دست اطرافیان امام باشد (جوانمرد، ۱۳۸۵: ۲۳۲).

این شورا در راستای کارکردهای اصلی‌اش، اقدامات دیگری چون نظام بخشی و سازمان‌دهی تظاهرات میلیونی مردم تهران در روزهای تاسوعا و عاشورا نیز نقش داشت. یکی از اهداف پیش‌بینی‌شده در تأسیس شورای انقلاب انتقال موقت قدرت از امام خمینی (ره) به شورای انقلاب در زمانی محتمل‌الوقوع است که ایشان به هر دلیلی قادر به راهبری کشور نباشند. این هدف در اساسنامه شورای انقلاب ذکر شده است. در ماده هفت این اساسنامه تصریح شده است:

«در صورت عدم امکان دسترسی به امام خمینی (ره)، به علتی از قبیل مسافرت، بیماری، فوت و

...، شورای انقلاب دارای همان اختیاراتی خواهد بود که امام خمینی (ره) دارا می‌باشد» (روزنامه شرق، ۱۰ شهریور ۱۳۸۳).

**۲- ایفای نقش رابط میان انقلابیون و رهبر انقلاب:** شورای انقلاب نقش مجری دستورات امام در داخل را نیز ایفا می‌کرد. البته تصمیمات اصلی نیز به اطلاع ایشان می‌رسید و پس از کسب تکلیف به مرحله اجرا درمی‌آمد (رضوی، ۱۳۷۶: ۱۴۳). علی‌رغم مخفی بودن اسامی اعضای شورای انقلاب در بدو امر، آنان با تکیه بر اعتبار خود مردم را با اندیشه‌ها و خواسته‌های امام خمینی (ره) آشنا می‌ساختند و همچنین به مردم بر اساس افکار و تصمیمات رهبر انقلاب، جهت می‌دادند و از سویی خواسته‌های مردم را به اطلاع امام خمینی (ره) می‌رساندند و در مواردی به دستور و یا اذن ایشان، خود مسئول رسیدگی به این خواسته‌ها می‌شدند. تأمین سوخت مصرفی مردم از جمله این موارد می‌باشد.

**۳- تبیین راه انقلاب و جلوگیری از نفوذ گروه‌های انحرافی:** در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی گروه‌هایی که از نظر فکری سنخیتی با تفکر اسلامی امام خمینی (ره) نداشتند نیز برای سهم خواهی به تکاپو افتادند. آن‌ها به‌طور گسترده تلاش نمودند تا مردم را به سوی خود جذب نموده و با گنجاندن شعارهای خود در بین شعارهای اصیل مردم زمینه را برای ادعاهای بعدی فراهم سازند و از انقلاب اسلامی سهم خواهند. پیروان اندیشه‌های مارکس از جمله این افراد بودند و البته برخی گروه‌های سکولار نیز چنین وضعیتی داشتند. امام خمینی (ره) با تأسیس شورای انقلاب به اصطلاح آب پاکی را بر دستان آنان ریخته و شورای انقلاب که نخستین نهاد رسمی حکومت آینده و نمادی از تفکر حاکم بر این حکومت بود را مجمع افرادی معرفی نمودند که منحرفین و فرصت خواهان جایگاهی در آن ندارند. ایشان با قرار دادن شرایطی چون صلاحیت فردی، اسلام، تعهد و مورد وثوق بودن برای اعضای خطوط قرمزی را مشخص نموده و افراد و گروه‌هایی که چنین شرایطی نداشتند، مأیوس گردیدند. ایشان همچنین مردم مسلمان را در این خصوص آگاه ساخته و زمینه‌های گرایش آنان را به تفکرات فوق‌الذکر، بیش‌ازپیش محدود ساختند (صدر شیرازی، ۱۳۹۱: ۷).

**۴- زمینه‌سازی جهت انتقال قدرت:** یکی از مهم‌ترین اهداف تأسیس شورای انقلاب معرفی افراد شایسته برای پذیرش مسئولیت در حکومت اسلامی و فراهم آوردن زمینه‌های قانونی به قدرت رسیدن دولت موقت بود. امام خمینی (ره) در تمام اشارات خود به تأسیس شورا، زمینه‌سازی برای تشکیل دولت موقت را به‌عنوان هدف مطرح می‌کردند. بدیهی است که به‌جز این مورد، سایر اهداف ذکر شده سرّی بوده و یا دلیل و مصلحتی برای بازگویی آن وجود نداشته است و تنها از رفتارهای بعدی شورای انقلاب می‌توان به این اهداف پی برد. ایشان در ۲۵ دی ۱۳۵۷ و در مصاحبه خبرنگار کانال یک تلویزیون فرانسه فرمود:

«هدف این است که «شورای انقلاب» یک حکومت موقتی ایجاد کند که آن حکومت موقت، مجلس مؤسسان را تأسیس کند برای تصویب قانون اساسی و بعد بقیه کارها» (صحیفه نور، ج ۵: ۴۶۷).

شورای انقلاب مجدانه به بررسی نحوه تعیین ساختار سیاسی بعد از انقلاب و تشکیل دولت و مجلس و ایجاد مجلس مؤسسان قانون اساسی پرداخت. در اولین اقدام در این راستا مهندس بازرگان به عنوان مسئول دولت موقت، به رهبر انقلاب پیشنهاد شد.

**۵- سلب انگیزه مقاومت از شاه، ارتش و حامیان خارجی رژیم در مقابل انقلاب:** امام خمینی (ره) در فاصله چند ماه مانده به پیروزی انقلاب، به برنامه‌ریزی دقیق جهت کادر سازی برای حکومت انقلابی آینده پرداخت. اعلام رسمی تأسیس شورایی که وظیفه آن انتقال قدرت بود روحیه رژیم و حامیانش را تخریب کرد. لذا عمده سران رژیم پهلوی مخفیانه و با تنها گذاردن همدستانشان از کشور گریختند و بقیه با ترس و دلهره برای حفظ رژیم تلاش کردند. اوضاع در میان نظامیان نیز بهتر از این نبود. آنان یا از کشور فرار نموده و یا به صف نیروهای انقلاب پیوستند. اعلام تأسیس شورای انقلاب و در حقیقت اعلام مرگ رژیم پهلوی به طرز شگرفی روحیه انقلابیون را تقویت و قدم‌های آنان را در مبارزه با طاغوت راسخ‌تر ساخت.

**۶- رکنی برای قانون‌گذاری:** از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا ۷ خرداد ۱۳۵۹ که مجلس شورای اسلامی رسماً افتتاح گردید، شورای انقلاب رکن قانون‌گذاری کشور بود. یکی از وظایف شورا در این مقطع انجام وظایف مجلس بود. امام خمینی (ره) در مرقومه‌ای خطاب به بازرگان و در زمان ریاست وی در دولت موقت به این وظیفه اشاره دارد.

«من از شما می‌خواهم که تا انعقاد مجلس شورای اسلامی که شورای انقلاب به‌منزله آن است، از شورای انقلاب اسلامی و از افراد آن شورا که خدمتگزار به اسلام و به ملت و مورد تأیید این‌جانب هستند پشتیبانی نمایید» (صحیفه نور، ج ۱۲: ۱۵۰).

شورای انقلاب در طی دو سال، نزدیک به دو هزار لایحه را تصویب نمود (صدر شیرازی، ۱۳۹۱: ۱۰). مروری بر اهداف تشکیل شورای انقلاب، نشانگر آن است که هم اصل تأسیس شورای انقلاب و هم وظایفی که بر عهده آن گذاشته شده بود از دوراندیشی و دقتی موشکافانه رهبر انقلاب و یارانشان سرچشمه گرفته است.

**۷- ارائه تصویری فرهنگی و انسانی از انقلاب در داخل و خارج:** جدای از تلاش‌هایی که شورای انقلاب در راستای معرفی چهره انقلاب اسلامی انجام داد، نفس تأسیس شورای انقلاب کمک شایانی به ابهام‌زدایی از ذهنان ملت‌ها و دولت‌ها و همچنین معدود هم‌وطنانی داشت که هنوز واقعیات انقلاب و اندیشه‌های برگرفته از اسلام امام خمینی (ره) را درک نکرده و باور نداشتند که

ایران پس از ۲۵۰۰ سال می‌خواهد از حکومتی مردمی برخوردار شود. تکیه بر شورا و مشورت، ایجاد فضایی برای هم‌اندیشی اندیشه‌های متفاوت و استقبال از عضویت کسانی که تا دیروز راهی جدای از نهضت داشتند در این شورا، توانست به ارائه تصویری فرهنگی و انسانی از انقلاب در داخل و خارج کمک نماید.

### ۸- کاهش هزینه‌ها و تلفات انقلاب و تسریع در پیروزی آن: نحوه برخورد با ارتش

به‌عنوان مرکز ثقل قدرت حکومت توسط امام، در تاریخ انقلاب‌های جهان منحصربه‌فرد و بی‌نظیر است. جلوتر از همه و حتی فرماندهان نظامی و نخبگان حاکم، امام دریافته بود که ارتش از دو قشر بالا و پایین تشکیل شده است. از این‌رو سعی وافری به عمل آورد که مردم با ارتش با احترام برخورد کرده و از اهانت به آن‌ها و مقابله‌های احتمالی مسلحانه اجتناب ورزند. انقلابیون به تبعیت از ایشان، ارتش را برادر خطاب کرده و در مناسبت‌های مختلف به دادن گل و شعار «برادر ارتشی، چرا برادرکشی»، اکتفا می‌کردند. تحمل این روش برای مردم به‌ویژه جوانان مبارز سخت بود، اما تحمل و شکیبایی، پیامدهای مثبت این روش را ظاهر ساخت و مردم در شرایط حساس و تاریخی مبارزه، پیوستن ارتش به مردم که به‌منزله تیر خلاص به رژیم بود مشاهده کردند (اردستانی، ۱۳۷۶: ۴۹).

رویکرد فوق در کنار مسائلی چون وضعیت آشفته دستگاه‌های حکومتی، فرار شاه، افزایش احتمال پیروزی انقلاب اسلامی، اختلافات درونی بسیار در میان قوای نظامی، فرار نظامیان در سطوح مختلف و گرایش نسبی برخی مقامات نظامی به انقلاب زمینه‌های گفتگو میان شورای انقلاب و سران نظامی را جهت جذب آنان به سوی نهضت اسلامی و یا حداقل پیشگیری از برخورد آنان با نیروهای انقلاب فراهم آورد. این گفتگوها مؤثر گشت؛ چون تشتت میان قوای نظامی رژیم گسترش یافت. رهبران انقلاب این گفتگوها کتمان نکردند. امام خمینی (ره) در پاسخ به خبرنگاری که پرسید «آیا تا به حال تماسی با رهبران ارتش داشته‌اید؟ اگر نداشته‌اید، در آینده تماس می‌گیرید؟»، فرمودند:

«تماس فی‌الجمله بوده است. اگر مقتضی بدانیم باز هم تماس حاصل می‌کنیم. آن‌ها را دعوت به صلاح خود و ملت می‌کنیم. امیدواریم آن‌ها هدایت شوند. ملت از آن‌ها و آن‌ها از ملت هستند. آن‌ها نباید در مقابل ملت مسلسل به کار ببرند. عظمت ملت، عظمت کشور است و عظمت کشور عظمت ارتش» (روزنامه کیهان، ۱۴ بهمن ۱۳۵۷).

یکی از این دیدارها، قرار دیدار ژنرال قره‌باغی رئیس ستاد ارتش وقت با اعضای شورای انقلاب بود. شهید بهشتی در این باره می‌گوید:

«روزی قره‌باغی و چند نفر از کارگردانان ارتش گفتند که می‌خواهیم با اعضای شورای انقلاب مذاکره کنیم. این موضوع در شورا بحث شد و اعضا ضمن توافق، مرا به‌عنوان طرف مذاکره‌کننده مأمور کردند. موضوع را با امام مطرح کردیم ایشان نیز تأیید کردند. قرار بود دیدار در منزل من باشد

ولی یک روز مانده به قرار، امرای ارتش آن را لغو کردند، با این بهانه که ما در منزل شما امنیت نداریم ولی دو سه روز بعد، ژنرال مقدم به منزل من آمد. مهندس بازرگان هم بود و مذاکره حول وحوش ارتش و انقلاب صورت گرفت» (نظری، ۱۳۷۸: ۱۷۷).

آقای هاشمی با تأکید بر این هدف شورای می گوید:

«سیاست کلی این بود که عوامل رژیم را به هر ترتیب با مذاکره سرگرم کنیم و تا آنجا که ممکن است نگذاریم کار به خشونت بکشد تا مردم آماده تر بشوند» (رضوی، ۱۳۷۶: ۱۶۳).

این مذاکرات در مواردی چون بحث استعفای بختیار به بن بست رسید و البته در مواردی چون بازگشت امام خمینی (ره) به میهن به ثمر نشست.

### عملکرد شورای انقلاب قبل از پیروزی انقلاب (۲۲ بهمن)

شورای انقلاب زمانی که کار خود را آغاز کرد کشور در شرایط بحرانی به سر می برد. اعتصابات ادامه داشت، نظم و امنیت وجود نداشت، مردم با مشکلات روزمره‌ای چون کمبود سوخت مواجه بودند و چشم‌انداز انقلاب و کشور نگران کننده بود؛ بنابراین لازم بود که اعتصابات مدیریت شود، صنعت نفت برای رفع نیازهای داخلی کار کند، برای کاهش خرابی‌ها و تلفات با دولت بختیار و ارتش ارتباط برقرار شود، دولت موقت انقلابی تشکیل شود و... که شورای انقلاب همه این کارها را تحت نظارت رهبری به قراری که ذیلاً توضیح داده می شود انجام داد.

مدیریت اعتصابات و راهپیمایی‌ها اقدام مهم و ضروری بود که شورای انقلاب انجام داد. اعتصابات که در نیمه دوم شهریور ۱۳۵۷، آغاز گردید و در مهرماه سراسر کشور را فراگرفت، در حد مقتضی برای پیشبرد انقلاب لازم بود؛ اما وقتی نشانه‌های پیروزی انقلاب نمایان گردید و مشکلات ناشی از آن برای مردم انقلابی خطرناک شد، رهبران انقلاب را به چاره‌جویی واداشت. در نتیجه کمیته‌ای در این زمینه تشکیل شد تا اعتصابات را در مسیر پیروزی انقلاب اسلامی هدایت کند.<sup>۱</sup> مردم همه از تصمیمات این کمیته اطاعت می کردند و بعضی از بازاری‌ها هم از آن پشتیبانی مالی می کردند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۶: ۳۲۴-۳۲۵).

بنا به اهمیت اعتصابات و کنترل آن، امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۸، در فرمانی درباره کمیته تقویت و تنظیم اعتصابات، به دکتر یدالله سبحانی مأموریت داد، به اتفاق جناب حجت‌الاسلام شیخ محمدجواد باهنر و جناب آقای مهندس علی اکبر معین فر و دو نفر دیگر که با مشورت افراد

<sup>۱</sup> کار اصلی کمیته اعتصابات، تعیین نوع اعتصابات مؤثر و کم‌ضرر برای مردم و کشور و پیشگیری از اعتصابات بود که به مردم آسیب برساند و برای انقلاب زیان‌بخش باشد و این که اگر اعتصابات، زندگی افراد یا گروه‌هایی را مختل کند و نیازی برایشان پیش بیاید، نیازهایشان تأمین شود. همچنین اگر از ناحیه اعتصاب برای مردم مشکلاتی پیش بیاید، برای آن چاره‌ای اندیشیده شود (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۶: ۳۲۴-۳۲۵).

نام‌برده تعیین می‌شدند، هیئتی برای تقویت و تنظیم اعتصابات تشکیل دهند (صحیفه نور، ج ۴: ۲۴۵). این امر با توجه به عضویت سحابی و باهنر در شورای انقلاب که ریاست و مدیریت فعالیت‌های کمیته اعتصابات را بر عهده داشتند بیانگر نقش مدیریتی شورا در اعتصابات بوده است. این کمیته، اعلامیه‌ها و دستورات فراوانی را به‌منظور کنترل اعتصاب‌ها و بالا بردن کارایی آنان، به امضای دکتر یدالله سحابی صادر کرد (روزنامه کیهان، دوشنبه، ۱۳۵۷/۱۱/۲: ۳).

راه‌اندازی صنعت نفت در راستای مدیریت اعتصابات صورت گرفت. ادامه اعتصابات کارکنان و کارگران صنایع نفت به‌ویژه پالایشگاه نفت آبادان که از ۲۱ شهریور ۱۳۵۷ شروع شده بود (نجاتی، ۱۳۷۱: ۹۶)، مشکلات جدی برای مردم به‌ویژه به سبب سرمای زمستان به وجود آمد و بازار بین‌المللی نفت را هم دچار بحران شده بود. امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۸، با ارسال پیامی به مهندس بازرگان، وی را مأمور نظارت بر تولید و صدور نفت نمودند. ایشان در این پیام، شرایط بازگشت اعتصاب‌گران به سرکار، تعداد اعضای هیئت مذکور، اسامی اعضا و وظایف هیئت را بیان کردند (صحیفه نور، ج ۴: ۱۱۱-۱۱۲). سه عضو برجسته و مؤثر هیئت نظارت بر تولید و صدور نفت، یعنی آقایان بازرگان، هاشمی رفسنجانی و کتیرایی از اعضای شورای انقلاب بودند.<sup>۱</sup> (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۶: ۳۲۴). این هیئت عازم آبادان شد و پس از مذاکره با کارگران شرکت ملی نفت، با آنان به توافق رسیدند و کارگران کار خود را از سر گرفتند (عاقلی، ۱۳۷۰: ۱۲۰۵).

این موفقیت در داخل و خارج از کشور ثابت کرد که شورای انقلاب و رهبران انقلاب می‌توانند کنترل همه ارکان اقتصادی و اجتماعی کشور را به دست بگیرند. شورا با در دست گرفتن نبض اقتصاد کشور، عملاً توانست منابع مالی رژیم شاه را قطع نموده، موجبات سقوط آن را فراهم نماید. برقراری ارتباط با دولت بختیار از مقتضیات دیگر انقلاب بود که شورای انقلاب به‌خوبی آن را انجام داد. از آغاز نخست‌وزیری بختیار تا پیروزی انقلاب، مذاکرات و تماس‌هایی بین برخی از اعضای شورای انقلاب و بختیار وجود داشته است. این تماس‌ها هم به‌صورت مستقیم و رودررو و هم به‌صورت غیرمستقیم و از طریق دوستان مشترک بوده است. محتوای این مذاکرات در جلسات متعدد شورای انقلاب مورد بررسی قرار می‌گرفت و خلاصه و نتایج حاصل از آن‌ها، برای امام در پاریس ارسال می‌گردید و در آنجا مورد بررسی مجدد قرار می‌گرفت و تصمیم نهایی اتخاذشده از سوی

۱. ۷۰۰ تن از کارگران و کارکنان پالایشگاه نفت تهران اعتصاب کرده و خواستار اضافه شدن دستمزد و لغو حکومت‌نظامی شده بودند.

۲. آقای هاشمی در این باره می‌گوید: «برای حل مشکل سوخت با حکم امام، گروهی مشخص شدند که من جزو آنان بودم. من بنا نداشتم در کمیته سوخت شخصاً حضور داشته باشم. نیازهای مرکز به صورتی بود که برای رسیدگی به آن، ضرورت بیشتر احساس می‌شد؛ اما امام ظاهراً بر پایه این باور که اگر یک فرد روحانی شناخته‌شده در هیئت نباشد، هیئت کار خود را نمی‌تواند با موفقیت انجام دهد، در حکم، نام من را آوردند» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۶: ۳۲۴).

رهبری، به شورای انقلاب در تهران فرستاده می‌شد. هنگامی که رهبر انقلاب به تهران آمد، باز هم این روال تداوم یافت.

موضوعات مورد مذاکره طرفین شامل متقاعد کردن بختیار به استعفا از نخست‌وزیری و همبستگی با انقلاب اسلامی، جلوگیری از خون‌ریزی، بازگشت امام به کشور و تأمین امنیت جانی وی و اطرافیانش، بررسی راه‌های مسالمت‌آمیز انتقال قدرت و تغییر رژیم ایران، انتخابات، اعتبار قانون اساسی مشروطیت و آینده حکومت ایران و مسافرت به پاریس به منظور ملاقات با امام خمینی (ره) می‌شد. در این مذاکرات هیچ‌گاه شورای انقلاب به بختیار امتیاز نداد و از مواضع خود عقب‌نشینی نمود و بختیار نیز هیچ‌گاه به‌طور جدی حاضر به استعفا نبود. این مذاکرات و تماس‌ها باعث گردید که انقلاب با حداقل تلفات جانی و مالی، به پیروزی برسد (سائلی کرده ده، ۱۳۸۴: ۱۵۳-۱۴۷).

با ارتش ارتباط برقرار شد تا هزینه‌های پیروزی انقلاب تخفیف و روند انتقال قدرت تسهیل گردد. اولین تماس‌های جدی شورای انقلاب با برخی از فرماندهان نظامی، به‌منظور برگزاری راهپیمایی تاریخی تاسوعا و عاشورا (۱۹ و ۲۰ آذرماه) بود. علت اصلی مذاکرات این بود که راهپیمایی‌ها با حداقل تلفات و صدمات انجام گیرد. به گفته هاشمی رفسنجانی، مقامات دولتی، نظامی و امنیتی رژیم شاه برای برقراری ارتباط و مذاکره با اعضای شورای انقلاب پیش‌قدم بودند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۶: ۳۲۷). این امر نشان می‌دهد که آنان به این ارتباط احساس نیاز بیشتری می‌کردند. بیشترین مذاکرات با بختیار، توسط قره‌باغی انجام شد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۶: ۳۳۳).

به گفته بازرگان جلسات شورای انقلاب در ابتدای تشکیل، درباره مذاکرات با مقامات انتظامی دولتی و دیپلماتیک خارجی و ترتیب دادن مسافرت بختیار برای ملاقات با آقا و استعفا، مشاوره و هماهنگی بود... (بازرگان، ۱۳۶۰: ۲۶). ارتش که خود را تابع دولت بختیار می‌دانست و از آن حمایت می‌کرد، پس از استعفای سید جلال‌التهران‌ی از ریاست شورای سلطنت و وخامت اوضاع و استدلال‌های قوی و منطقی نمایندگان امام در مذاکرات، یک‌قدم عقب‌نشینی کرد و در پیامی اعلام نمود که در پشتیبانی از دولت قانونی کوشا خواهد بود (روزنامه کیهان، سه‌شنبه ۱۳۵۷/۱۱/۳: ۲). مذاکرات بین شورای انقلاب و فرماندهان ارتش به‌طور عمده برای جلوگیری از خون‌ریزی و کشتار و کودتا و به‌منظور تسلیم کردن ارتش در برابر انقلاب بود. نظر امام نیز درباره مذاکره با امرای ارتش، مثبت بود و آن را مفید می‌دانست. امام اعتقاد به پیروزی بدون خشونت داشت. ایشان ضمن تأیید تماس‌هایی که با ارتش ایجاد شده، گفتند: «اگر مقتضی بدانیم، بازهم تماس حاصل خواهیم کرد» (صحیفه نور، ج ۴: ۱۸۱). در مجموع به سبب اهمیت نقش سیاسی ارتش در تحولات سال ۱۳۵۷ می‌توان گفت که ملاقات شورای انقلاب با سران ارتش، گام بسیار مهمی برای یافتن راه‌حلی سیاسی و بدون خون‌ریزی، برای مشکلات موجود بود.

تماس و مذاکرات اعضای شورای انقلاب و مقامات آمریکایی و برخی کشورهای غربی نیز، در

جریان بود. از مهم‌ترین این ملاقات دیدار بازرگان با سولیوان، سفیر آمریکا در تهران بود. از آن جهت که آمریکاییان از حفظ رژیم پهلوی ناامید شده بودند و دل به چهره‌های میانه‌رو انقلاب بسته بودند، این دیدار حائز اهمیت بود. سولیوان و استمپل (رئیس بخش سیاسی سفارت آمریکا در تهران) نیز در خاطرات خود به این ملاقات اشاره کرده‌اند (فوزی توسیرکانی، ۱۳۸۴: ۱۶۴). این مذاکرات از عوامل پیدایش زمینه پذیرش انقلاب اسلامی و خواست ملت در محافل و مقامات سیاسی دولت آمریکا و سایر کشورها به‌خصوص ممالک اروپایی بوده است. انقلابیون تاندازه‌ای نظر خود را به آمریکا قبولانده بودند و به همین دلیل آنان ناچار شدند به مذاکره با رهبران و افراد مورد اعتماد رهبری و مردم پردازند. این ارتباطات به موازات پیشرفت انقلاب در داخل، نتایج مؤثر و مثبتی داشته است.

یکی از اهداف مهم در تأسیس شورای انقلاب، تأسیس دولت موقت یا دولت انتقالی به‌منظور گذار از نظام سلطنتی مشروطه به نظام جمهوری اسلامی و تأسیس نهادهای سیاسی و قانونی نظام جدید بود. مشروعیت نظام جدید باید کاملاً از ملت، انقلاب و رهبری نشئت می‌گرفت؛ در نتیجه تأسیس دولتی که متکی به این سه رکن باشد، لازم و ضروری بود. اعضای شورای انقلاب و شخص امام بنا نداشت از روحانیون در کارهای اجرایی استفاده کند، بلکه در نظر داشت آنان به‌عنوان مجلس و مقنن و راهنما، در کنار نیروهای اجرایی عمل کنند (رضوی، ۱۳۷۶: ۱۵۱). آنان با تحلیل نیروهای موجود، بالاخره به این نتیجه رسیدند که از نیروهای نهضت آزادی استفاده بشود که به‌تبع آنان هم از نیروهای جبهه ملی استفاده می‌شد؛ اما نیروهایی نظیر سازمان مجاهدین خلق (که رفته‌رفته به نام منافقین شناخته شدند) و کمونیست‌ها مورد اعتماد رهبران انقلاب نبودند. امام خمینی (ره) با تأکید فراوان از اعضای شورای انقلاب می‌خواستند که نهادهای رسمی را پایه‌ریزی نمایند؛ در نتیجه به‌طور طبیعی بحث‌هایی مانند تشکیل دولت، تشکیل مجلس، ایجاد مجلس مؤسسان و تدوین قانون اساسی مطرح شد. به دنبال همین بحث‌ها و نیازها، مسئله تشکیل دولت جدید مطرح شد. انتخاب بازرگان به ریاست دولت موقت در یک جلسه شورای انقلاب با حضور امام خمینی (ره) و از سوی آیت‌الله مطهری مطرح شد (برزین، ۱۳۷۴: ۲۶۷).

دولت موقت در روز ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ در حضور ایشان در مدرسه علوی رسمیت نهایی یافت<sup>۱</sup> (دوانی، ۱۳۷۷: ۲۲۶). بدین ترتیب، شورای انقلاب نقش مهمی در تعیین دولت موقت داشت و امام خمینی (ره) بر اساس پیشنهاد آنان، مهندس مهدی بازرگان را به نخست‌وزیری دولت موقت

<sup>۱</sup> امام خمینی (ره) در این مراسم، سخنانی نیز درباره دولت موقت و وظایف آن ایراد نمودند و در بخشی از سخنان خود فرمودند: «... و من باید یک توضیح دیگری هم بدهم و آن این‌که من که ایشان را حاکم کرده‌ام، یک نفر آدمی هستم که به‌واسطه ولایتی که از طرف شارع مقدس دارم، این را قرار داده‌ام. ایشان واجب‌الاتباع است. ملت باید از او اتباع کند. یک حکومت عادی نیست. یک حکومت شرعی است» (دوانی، ۱۳۷۷: ۲۲۶).



منصوب کردند. ایشان در این انتصاب، برحق شرعی ولی فقیه در تعیین حاکم برای اداره اجتماع مسلمانان، تأکید فرمودند.

### عملکرد شورای انقلاب بعد از پیروزی انقلاب

بخشی از کارکردهای شورا در دوره گذار یا انتقال قدرت به نظام تازه تأسیس تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ فعلیت یافت؛ اما هنوز کارهای مهم دیگری را بعد از آن انجام می‌داد. شورای انقلاب در این وضعیت حساس بعد از پیروزی انقلاب تا استقرار نهادها و تثبیت موقعیت نظام باید گام‌های مهمی برمی‌داشت و در تعیین نوع نظام سیاسی، تهیه قانون اساسی جدید و ایجاد نهادهای اساسی حکومت نقش ایفا می‌کرد. در بررسی‌ای که ذیلاً ارائه می‌شود جزئیات این اقدامات و میزان توفیق شورا در این موارد ارزیابی می‌شود.

تعیین نوع نظام سیاسی جدید ۵۰ روز پس از پیروزی انقلاب با اولین نظرخواهی از ملت انجام گرفت. پس از تمهیداتی مردم ایران باید در دوازدهم فروردین سال ۱۳۵۸، به این سؤال پاسخ می‌دادند که آیا حکومت جمهوری اسلامی را می‌خواهند یا نه. برنامه‌ریزی و تصویب قوانین مربوط به این فرآیندوم یا همه‌پرسی که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین رأی‌گیری در تاریخ سیاسی ایران به حساب می‌آید بر عهده شورای انقلاب بود. اهمیت زیاد این فرآیندوم تصویب قوانین مربوط به آن را مهم می‌کرد. موعد مقرر، فرآیندوم برگزار شد و ملت ایران با ۹۸/۸ درصد به جمهوری اسلامی رأی مثبت دادند و در تاریخ ۱۲ فروردین ۱۳۵۸، «جمهوری اسلامی ایران»، نظام حکومتی بعد از انقلاب گردید. تهیه و تدوین قانون اساسی جدید کار مهم دیگری بود که شورا باید انجام می‌داد. امام خمینی (ره) پیش‌تر در ۲۲ دی‌ماه و در ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ تشکیل «مجلس مؤسسان» را به‌منظور تدوین قانون اساسی، به مردم وعده داده بودند. در بند سوم حکم نخست‌وزیری مهندس بازرگان (صادر در ۱۵ بهمن ۵۷) نیز تشکیل مجلس مؤسسان منتخب ملت، به‌منظور تصویب قانون اساسی جدید، بر عهده دولت موقت گذاشته شده بود؛ بنابراین پس از آغاز کار دولت موقت، با تصویب هیئت دولت در تاریخ ۸ فروردین ۱۳۵۸، اساسنامه شورای عالی طرح‌های انقلاب به تصویب رسید. شورای مذکور مرکب از حداکثر ۱۵ نفر بود که زیر نظر و ریاست وزیر مشاور در طرح‌های انقلاب فعالیت می‌کرد. یکی از وظایف شورا مذکور، طراحی قانون اساسی بر مبنای ضوابط اسلامی و رعایت اصول آزادی بود. این شورا روی طرح‌های مختلف کار می‌کرد در نهایت مواد پیش‌نویس را ابتدا در هیئت دولت تصویب می‌کرد و سپس به شورای انقلاب می‌فرستاد. بدین ترتیب تهیه و تصویب پیش‌نویس قانون اساسی به طول انجامید. در نتیجه، جلسه مشترکی بین دولت موقت و شورای انقلاب تشکیل شد و مواد آخر پیش‌نویس در جلسه مشترکی بررسی گشت و خدمت امام فرستاده شد (سائلی کرده ده،

۱۳۸۴: ۱۷۷-۱۶۹).

به دلیل اختلاف اساسی میان اعضای شورای انقلاب، آیت‌الله طالقانی و هیئت دولت و مهندس بازرگان بامداد روز سه‌شنبه، مورخ یکم خرداد ۱۳۵۸ در شهر قم مذاکره بسیار مهمی با امام خمینی (ره) انجام دادند. در این جلسه مقرر شد نام «مجلس مؤسسان» به «مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» تبدیل شود. ثانیاً، قرار شد پیش‌نویس مصوب مجلس مذکور به همه‌پرسی گذاشته شود؛ بنابراین شورای انقلاب از طریق ایجاد اصلاحات در پیش‌نویس قانون اساسی مصوب هیئت دولت و کم کردن تعداد نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی، این قانون را اسلامی کرد و از این طریق، کل روابط سیاسی و فعالیت‌های نهادهای رسمی و سیاسی کشور، در چهارچوب اسلام قرار گرفت. می‌توان تأثیر باور و ذهنیت عمومی اعضای شورای انقلاب را که دارای ایدئولوژی اسلامی بودند، بر محتوای قانون اساسی و به تبع آن بر نظام سیاسی کشور مشاهده نمود. شورای انقلاب در پی تصمیم اتخاذشده در جلسه مشترک دولت موقت، شورای انقلاب و امام درباره تشکیل مجلس بررسی نهایی قانون اساسی و فرمان امام خطاب به مهندس بازرگان درباره تکمیل پیش‌نویس قانون اساسی و تصویب آن به‌وسیله شورای انقلاب، لایحه قانونی انتخابات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را در تاریخ ۷ تیرماه ۱۳۵۸ به تصویب رساند. شورای انقلاب با تصویب این لایحه قانونی، راه‌حل نهایی را نشان داد.

اقدام اساسی و مهم دیگر شورای انقلاب تشکیل نهادهای اساسی حکومت تازه تأسیس بود. شورا در تشکیل و ایجاد نهادهای اساسی حکومت نظیر قوه مجریه و قوه مقننه اقدام کرد.

قوه مجریه، مطابق قانون اساسی جدید شامل دو بخش رئیس‌جمهور و وزرا می‌شد. نقش شورای انقلاب در تأسیس قوه مجریه تنها در انتخاب رئیس‌جمهور معنا می‌یافت؛ زیرا با تأسیس مجلس شورای اسلامی و تکمیل اعضای شورای نگهبان، عمر شورای انقلاب به پایان می‌رسید. در این برهه زمانی، دولتی وجود نداشت، در نتیجه شورای انقلاب، هردو نقش قانون‌گذاری و اجرایی را ایفا می‌کرد. اولین گام شورای انقلاب در تشکیل قوه مجریه، فراهم نمودن مقدمات آن، یعنی تهیه قانون انتخابات ریاست جمهوری بود؛ بر این اساس شورای مذکور در تاریخ ۲۸ آذر ۱۳۵۸ قانونی با عنوان «لایحه قانونی انتخابات اولین رئیس‌جمهور کشور جمهوری اسلامی ایران» (اداره کل تنقیح و تدوین قوانین و مقررات، ۱۳۵۹: ۳۵۸). را به تصویب رساند. در روز جمعه پنجم بهمن‌ماه ۱۳۵۸، مردم ایران به پای صندوق‌های رأی رفتند و اولین رئیس‌جمهور کشور را انتخاب کردند.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> در این انتخابات، ابوالحسن بنی‌صدر توانست با به دست آوردن بیش از هفتادوپنج درصد از آرای شرکت‌کنندگان در انتخابات، اولین رئیس‌جمهور نظام نوپای اسلامی شود؛ اما هفده ماه پس از انتخاب به ریاست جمهوری، به علت اختلافاتی که بین ایشان و شورای انقلاب ایجاد شد و مسائل دیگر که از حوصله این نوشته خارج است، نمایندگان مجلس شورای اسلامی در روز یکشنبه مورخ ۳۱ خردادماه ۱۳۶۰ رأی به «عدم کفایت سیاسی» بنی‌صدر دادند. (سائلی کرده ده، ۱۳۸۴: ۱۹۷-۱۹۰).

در ایجاد قوه مقننه نیز شورای انقلاب نقش داشت. این قوه نیز از دو بخش مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان تشکیل شد. شورای انقلاب از طریق تهیه مقدمات برگزاری انتخابات مجلس در تأسیس این قوه مؤثر واقع شد. بعد از تصویب قانون اساسی، باید مجلس شورای اسلامی تشکیل می‌شد. بر اساس اصل شصت و دوم قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی، از نمایندگان ملت که به صورت مستقیم و رأی مخفی انتخاب می‌شوند، تشکیل می‌گردد؛ اما در همین اصل، شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و کیفیت انتخابات به عهده قانون عادی نهاده شده است. در سال ۱۳۵۸، چون مجلس وجود نداشت که بر طبق قانون عادی آن، در مورد فوق عمل شود، این کار را شورای انقلاب در تاریخ ۱۳۵۸/۱۱/۱۷، انجام داد تا مقدمات انتخابات و تشکیل مجلس شورای اسلامی فراهم گردد (ر.ک قانون اساسی، ۱۳۵۹: ۴۳۶).

شورای انقلاب یک روز قبل از افتتاح اولین دوره مجلس شورای اسلامی، لایحه‌ای را با عنوان «لایحه قانونی، راجع به نحوه اداره دوره اول مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران تا هنگامی که مجلس اعتبار قانونی می‌یابد» در تاریخ ۱۳۵۹/۳/۶ از تصویب گذراند. در مرحله اول، ۹۷ نماینده و در مرحله دوم، ۱۳۷ نماینده به مجلس راه یافتند. بدین ترتیب در طی دو مرحله انتخابات، ۲۳۴ نماینده انتخاب شدند و تعداد آنان از حدنصاب لازم برای تشکیل مجلس فراتر رفت (ر.ک قانون اساسی، ۱۳۵۹: ۶۱۲).

انتخاب‌شدگان پس از برگزاری جلسه معارفه با شورای انقلاب، در روز یکشنبه مورخ ۴ خرداد ۱۳۵۹ به حضور امام خمینی (ره) رسیدند و ایشان رهنمودهایی را برای تشکیل مجلس ارائه دادند. بالاخره روز ۷ خرداد ۱۳۵۹، اولین دوره مجلس شورای اسلامی پس از پیروزی انقلاب افتتاح گردید (سائلی کرده ده، ۱۳۸۴: ۲۰۴-۲۰۳).

بازنگری مجموعه این تصمیمات و کارنامه عملی شورای انقلاب، می‌تواند مؤید نظریه دولت‌محور در تحلیل انقلاب اسلامی ایران باشد؛ نظریه‌ای که چارلز تیلی این‌گونه آن را توصیف کرده است: «در انقلاب‌ها متغیرهای گوناگون دخالت دارند، درحالی‌که همه آن‌ها شامل انتقال قهرآمیز قدرت از دولتی به دولت دیگرند» (فورن، ۱۳۸۴: ۲۸).

## نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب ارائه‌شده می‌توان گفت که تشکیل شورای انقلاب، ناشی از مقتضیات و ضروریات جامعه انقلابی و حاکی از درایت و تدبیر رهبران نهضت بوده است. طبیعت هر تحول سیاسی، به‌ویژه اگر در حد و اندازه انقلاب باشد، این است که ساختارها و روندهای گذشته، کار آیی خود را از دست داده، از اساس فاقد مشروعیت می‌گردند. در چنین شرایطی تا هنگامی که ساختارها و

روندهای جدید شکل نگرفته است و جامعه در حال انتقال و گذار می‌باشد، نهادی لازم است که به سامان‌دهی امور بپردازد. چیزی که در انقلاب فرانسه شبیه مجلس مؤسسان و در انقلاب روسیه در قالب شورای نمایندگان کارگری نمود پیدا کرده است.

در انقلاب اسلامی ایران، چنین ضرورتی به‌خوبی درک گردید و به آن عمل شد. شورای انقلابی اسلامی به‌خوبی توانست در سخت‌ترین و پیچیده‌ترین برهه انقلاب، با تصمیمات و قانون‌گذاری‌های خود، کشتی انقلاب را از تلاطم و موج‌های دریای حوادث به ساحل امنی هدایت کند. شورای انقلاب برای جلوگیری از ایجاد خلأ قدرت و سوءاستفاده جریان‌های فرصت‌طلب و التقاطی و برای سازمان‌دهی سریع نیروهای انقلاب شکل گرفت. این شورا نهادی منبعث از رهبری و بازوی مشورتی و اجرایی آن بود و توانست تأثیر و نفوذ گروه‌ها و عناصر سیاسی غیر اسلامی را در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران به حداقل برساند و اجازه ندهد انقلاب و جمهوری اسلامی از اهداف و آرمان‌های خود منحرف شود و موجب استحکام جمهوری اسلامی و هماهنگی بین مراکز قدرت و تصمیم‌گیری شد. هرچند این شورا عمری کوتاه و قریب به دو سال داشت، اما منشأ تحولات بزرگی در تاریخ معاصر ایران شد. بسیاری از تصمیماتی که این شورا اتخاذ کرد، هرچند به لحاظ اجرایی چندان نافذ نبود، اما به لحاظ اندیشه‌ای، مسیر حیات فکری و اجتماعی ایران آن روزگار و ایران آینده را تا اندازه زیادی تعیین و تکوین کرد؛ هرچند که این تحول آثار خود را نه به‌صورت آنی و گذرا- که در فرآیند درازمدت- منعکس ساخت.

شورای انقلاب دارای اساسنامه بود و در چارچوب این اساسنامه، وظایف خود را انجام می‌داد، اما این چارچوب دارای حقوق متصلب و مستحکمی نبود که نهادی در شرایط طبیعی به آن پایبند است. شورای انقلاب باید درباره امور مختلف تصمیم می‌گرفت، در بحران‌ها و معضلات گوناگون وارد می‌شد، اعضای آن در بخش‌های دیگر مدیریت کشور گرفتار بودند و خلاصه این شورا ترکیب و ترتیبی سیال داشت که در آن شرایط، مهم‌ترین وظیفه آن، کنترل اوضاع و اتخاذ تصمیمات فوری و حیاتی برای کشور بود. شورای انقلاب ضمن آن که بازوی مشورتی رهبر بود، به قائم‌مقامی نهادها و دستگاه‌های مختلف، انجام‌وظیفه می‌کرد و همین امر سبب می‌شد که کارکردها و نقش‌های آن تنوع و تعدد داشته باشد. به همین دلیل در تصمیمات و اقدامات مهم ماه‌های نخست انقلاب، همچون فراندوم نوع نظام سیاسی، بررسی و تصویب قانون اساسی، انتخابات مجلس و ریاست جمهوری، همواره نقش و حضور شورای انقلاب به چشم می‌خورد.

## منابع:

- اداره کل تنقیح و تدوین قوانین و مقررات (۱۳۵۹). **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مجموعه لوایح قانونی مصوب شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران**. تهران: مجلس شورای اسلامی.
- اردستانی، حسین (۱۳۷۶). «جدال تصمیم‌گیری نخبگان: بررسی عوامل شتاب‌دهنده فروپاشی نظام شاهنشاهی (۵۷-۱۳۵۶)». **فصلنامه پانزده خرداد**، شماره ۲۶ و ۲۷ (تابستان و پاییز).
- آرنت، هانا (۱۳۸۱). **انقلاب**، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: خوارزمی.
- بازرگان، مهدی (۱۳۶۰). **شورای انقلاب و دولت موقت از زبان مهندس بازرگان**. تهران: نهضت آزادی ایران.
- بایفسکی، د.ا و دیگران (۱۳۶۰). **تاریخ انقلاب اکتبر**، ترجمه سعید روحانی، تهران: شاهنگ.
- برزین، سعید (۱۳۷۴). **زندگینامه سیاسی مهندس مهدی بازرگان**، تهران: نشر مرکز.
- پیام ارتشبد عباس قره‌باغی به نظامیان، **روزنامه کیهان**، سه‌شنبه ۱۳۵۷/۱۱/۳.
- جوانمرد، سید احسان (۱۳۸۵). **رفتار سیاسی شهید مطهری و انقلاب اسلامی**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۶۱). **صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی)**، ج ۴، ج ۵، ج ۱۲، تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۸۵). **خاطرات آیت‌الله مهدوی کنی**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دوتوکویل، الکسی (۱۳۶۵). **انقلاب فرانسه و رژیم‌های پیش از آن**، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر نقره.
- دورانی، علی (۱۳۷۷). **نهضت روحانیون ایران**، ج ۱۰، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- رضوی، مسعود (۱۳۷۶). **هاشمی و انقلاب**، تهران: همشهری.
- **روزنامه اطلاعات**، ۲۴ دی ۱۳۵۷، ش ۱۵۷۵۹.
- **روزنامه جمهوری اسلامی**، سال اول، ش ۱۴۱، مورخ ۵۸/۸/۲۸.
- **روزنامه کیهان**، ۱۴ بهمن ۱۳۵۷.
- سائلی کرده ده، مجید (۱۳۸۴). **شورای انقلاب اسلامی ایران**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- صدر شیرازی، محمدعلی (۱۳۹۱). «چرایی و چگونگی تشکیل شورای انقلاب در ۲۲ دی‌ماه به

- فرمان امام (ره)، سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی در تارنمای [www.irdc.ir](http://www.irdc.ir).
- عاقلی، باقر (۱۳۷۰). **نخست وزیران ایران**، تهران: جاویدان.
- فورن، جان (۱۳۸۴). **نظریه پردازی انقلاب**، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
- فوزی توسیرکانی، یحیی (۱۳۸۴). **تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران**، ج ۱، تهران: نشر عروج.
- قاسم پور، داود (۱۳۸۵). **دهه سرنوشت ساز**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**.
- متن اساسنامه شورای انقلاب. **روزنامه شرق**، مورخ ۱۳۸۳/۶/۱۰.
- مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۶۱). **تاریخ سیاسی معاصر ایران**، ج ۲، تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
- نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۱). **تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران** (از کودتا تا انقلاب)، ج ۲، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- نظری، مرتضی (۱۳۷۸). **خاطرات ماندگار از زندگی آیت‌الله دکتر محمد حسینی بهشتی**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۷۶). **دوران مبارزه**، زیر نظر محسن هاشمی، ج ۱، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.
- هوبز باوم، ا. ج (۱۳۷۴). **عصر انقلاب اروپا (۱۷۸۹-۱۸۴۸)**، ترجمه علی‌اکبر مهدیان، تهران: مترجم.
- یزدی، ابراهیم (۱۳۷۷). «گفت‌وگو با دکتر ابراهیم یزدی، پشت‌صحنه انقلاب در پاریس»، **مجله ایران فردا**، سال هفتم، شماره ۵۱ (بهمین و اسفند).